

رابطه سبک‌های فرزندپروری و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه با خودهای ممکن در دانشجویان

اصغر جعفری^۱، مهری برهون^۲، محمد قمری^۳

مقاله پژوهشی

چکیده

زمینه و هدف: خودهای ممکن، جنبه موقتی خودپنداره هستند، چیزی که فرد هم برای آن تلاش می‌کند و هم می‌کوشد از آن اجتناب کند. طرح‌واره‌ها و سبک‌های فرزندپروری والدین در تحول خودهای ممکن تأثیر دارند. این امیدها و ترس‌ها در انگیزه‌های افراد مهم هستند. پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی خودهای ممکن در دانشجویان بر اساس سبک‌های فرزندپروری و طرح‌واره‌ها انجام شد.

مواد و روش‌ها: روش پژوهش همبستگی بود. نود و چهار دانشجو به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای از بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین انتخاب و داده‌ها با استفاده از پرسش‌نامه‌های شیوه‌های فرزندپروری بامریند (Bamrind's parenting styles)، فرم کوتاه طرح‌واره یانگ (Young's schema) و فرم (ب) خودپنداره راجرز (Rogers's self-concept) جمع‌آوری و به‌وسیله رگرسیون چندگانه تحلیل شدند.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان داد که سبک فرزندپروری مقتدرانه، طرح‌واره‌های ایثار و بازداری هیجانی به طور معنی‌داری خودهای ممکن را در دانشجویان پیش‌بینی می‌کنند ($P < 0/05$). هم‌چنین نتایج نشان داد که شیوه فرزندپروری مقتدرانه ۸/۶ درصد و طرح‌واره ایثار ۱۰/۷ درصد از تغییرات خودهای ممکن را تبیین می‌کنند ($P < 0/01$).

نتیجه‌گیری: نتایج شواهدی را پیشنهاد می‌کند که احتمالاً سبک‌های فرزندپروری و طرح‌واره‌ها به‌واسطه هنجارهای فرهنگی- اجتماعی و عوامل والدینی تأثیرات متفاوتی بر خودهای ممکن فرزندان دارند. لذا به منظور ارتقاء خودهای ممکن کارآمد در افراد، پیشنهاد می‌شود زمینه بهبود سبک فرزندپروری مقتدرانه و طرح‌واره ایثار فراهم شود.

واژه‌های کلیدی: سبک‌های فرزندپروری، طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، خودهای ممکن

ارجاع: جعفری اصغر، برهون مهری، قمری محمد. **رابطه سبک‌های فرزندپروری و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه با خودهای ممکن در دانشجویان.** مجله تحقیقات علوم رفتاری ۱۳۹۴؛ ۱۳(۱): ۲۹-۴۰

دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۰۴/۰۴

پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۰۱/۱۴

۱. استادیار گروه مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، ابهر، ایران (نویسنده مسؤول)

Email: Drasgharjafari@yahoo.com

۲. دانش آموخته رشته مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، ابهر، ایران

۳. استادیار گروه مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، ابهر، ایران

مقدمه

گرایش به خودشکوفایی فرد را به‌صورت موجودی کامل توصیف می‌کند. با پدیدآیی خود، فرد از لحاظ پیچیدگی رشد می‌کند، و فرایند ارزش‌گذاری ارگانیزمی نه تنها در مورد

ارگانیزم به صورت یک کل، بلکه در مورد خود (self) هم به صورت یک جزء به‌موقع به اجرا گذاشته می‌شود (۱). پدیدآیی خود، موجب پدیدآیی نیاز به توجه مثبت (positive regard) می‌شود. نیاز به توجه مثبت، دوست داشتن و دوست داشته شدن در مراحل رشد انسان اهمیت خاصی دارد

و از مهم‌ترین نیازها در سلسله مراتب نیازهای مزلو به شمار می‌رود (۲). اولین و مهم‌ترین جایگاهی که این نیاز در آن ارضاء می‌شود، خانواده است (۳).

«خویشواره» یا «طرحواره خود» (schema) عبارت است از تعمیم‌های شناختی برگرفته از تجارب درباره خویش که راهنمای سازماندهی و پردازش اطلاعات مربوط به خود است و از تجربیات گذشته آموخته می‌شوند (۴). تغییر طرحواره می‌تواند از طریق تلاش عمدی برای پیش بردن خود به سمت خودممکن آینده صورت گیرد. خودهای ممکن (possible selves) یعنی بازنمایی‌های آینده‌گرایی آنچه که فرد امیدوار است بشود و آنچه که می‌ترسد بشود (۵). تأثیر معنی‌دار عملکرد والدین بر شکل‌گیری افکار، رفتار و هیجانات کودکان مدت‌ها است که از سوی فیلسوفان و روان‌شناسان مورد تأکید قرار گرفته است (۶) و همچنین نقش آن در ایجاد و گسترش مدل‌های شناختی و به‌ویژه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه (early maladaptive schema) در پژوهش‌های متعدد مورد تأیید قرار گرفته است (۷).

ریشه تحولی این طرحواره‌ها در تجارب ناخوشایند دوران کودکی نهفته است. طرح‌واره‌هایی که زودتر به وجود می‌آیند و معمولاً قوی‌ترین هستند، از خانواده‌های هسته‌ای نشأت می‌گیرند. هجده طرحواره بر طبق پنج نیاز هیجانی ارضاء نشده تقسیم می‌شوند که آن‌ها را حوزه‌های طرح‌واره می‌نامند (۸). شیوه‌های فرزندپروری مجموعه‌ای از رفتارها است که تعاملات والد-کودک را در دامنه گسترده‌ای از رفتارها هدایت می‌کند و نقش مهمی در رشد روانی فرزندان ایفاء می‌کند. بامریند (Bamrind) از تعامل سه ویژگی پذیرش و روابط نزدیک، کنترل و استقلال دادن سه شیوه فرزندپروری را مشخص کرد: مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه (۹-۱۰). والدینی که سبک فرزندپروری مقتدرانه دارند صمیمی، پذیرا و دلسوز هستند، نسبت به نیازهای کودک حساس هستند، توقع معقولی برای پختگی دارند و همواره آن را تقویت می‌کنند. والدینی که سبک فرزندپروری مستبدانه دارند سرد و طردکننده هستند و معمولاً کودک را تحقیر می‌کنند. آنان توقعات را با استفاده از فشار و تنبیه اعمال می‌کنند؛ اغلب از

کنترل روان‌شناختی استفاده می‌کنند، محبت را دریغ می‌دارند و مزاحم فردیت کودک می‌شوند. والدین سهل‌گیر، صمیمی ولی بی‌توجه هستند، توقعات کم یا اصولاً توقعی ندارند و به کودک اجازه می‌دهند قبل از این که آمادگی داشته باشد تصمیمات زیادی بگیرد (۱۱).

نتایج پژوهش بارانوف و تیان (Baranoff & Tian) در بررسی رابطه ادراک سبک‌های والدینی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه با علایم افسردگی در بزرگسالان جوان نشان داد که چهار طرحواره نقص/شرم، خودکنترلی ناکافی، آسیب‌پذیری و وابستگی/بی‌کفایتی نقش بیشتری در تبیین افسردگی جوانان دارد (۱۲). عملکرد والدین پیش‌بینی‌کننده معنی‌داری برای برخی حیطه‌های طرحواره‌ها (قطع ارتباط/ طرد و عملکرد/ خودگردانی مختل) است (۱۳). تعاملات ناکارآمد والدین پیش‌بین بسیار قوی برای طرحواره‌های ناسازگار اولیه و تعاملات کمتر کودکان در روابط بین‌فردی آینده است و سبک والدینی بر روش شکل‌گیری طرحواره‌ها تأثیر معنی‌داری دارد (۱۴-۱۵). در پژوهشی تحت عنوان «نقش و درمان طرحواره‌های ناسازگار اولیه در سربازان جنگ ویتنام مبتلا به اختلال استرس پس از آسیب (PTSD)» سربازان مبتلا به PTSD نمرات بالاتری در پرسش‌نامه طرحواره‌های ناسازگار اولیه یانگ کسب کردند (۱۶). سبک‌های فرزندپروری مستبدانه و طردکننده در مقایسه با سایر سبک‌ها معتبرترین پیش‌بینی‌کننده‌ها در شکل‌گیری انواع خود و شکاف بین خودها می‌باشند، به نحوی که این پیش‌بینی با شکل‌گیری خودهای واقعی و ایده‌آل رابطه منفی دارد (۱۷). خودهای ممکن در برگیرنده این طرز تفکر است که، افراد فعالانه اعمال و انتخاب‌های خود را مدیریت می‌کنند تا «خودهای مطلوب» را ارتقاء داده و مانع حضور «خودهای نامطلوب» شوند (۱۸). در مطالعه‌ای در مورد «خودهای ممکن زنان بزرگسال مبتلا به بی‌اشتهایی عصبی» مشاهده شد که گروه شاهد در مقایسه با گروه بیمار در موقعیت‌های مشابه روزانه خودهای ممکن مثبت‌تر و بالنده‌تری دارند (۱۹). نتایج پژوهش دیگری بر روی دو گروه از افراد

تجارب دوران کودکی دارد (۳۲). وجود خودهای ممکن منحرف به عنوان پیش بین پیامدهای رفتار پرخطر در نوجوانان می باشد (۳۳). پژوهشگران از خود هماهنگ به مثابه منبع خودهای ممکن، یاد می کنند (۳۴) و تفکر درباره خودآینده بخش مهمی از هویت کنونی هر فرد است (۳۵). لذا با توجه به نقش خانواده و تجربیات دوران کودکی در خودهای ممکن، در این پژوهش با هدف تعیین رابطه بین سبک های فرزندپروری و طرحواره ها با خودهای ممکن، به بررسی این سؤال پژوهشی پرداخته شد که آیا بین سبک فرزندپروری والدین و طرحواره های ناسازگار اولیه با خودهای ممکن در دانشجویان رابطه وجود دارد؟

مواد و روش ها

این پژوهش با استفاده از روش تحقیق همبستگی انجام شد. برای انتخاب نمونه پژوهش از روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای چندمرحله ای استفاده شد. ابتدا ۲ دانشکده به صورت تصادفی انتخاب شد. بعد از بین رشته های گوناگون در این دانشکده ها ۵ رشته انتخاب شد و در نهایت هم از بین کلاس های مربوط به این رشته ها ۵ کلاس به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. از آن جایی که روش پژوهش مطالعه حاضر همبستگی بود بنا به نظر هومن، در پژوهش های همبستگی به ازاء هر متغیر ۳۰ آزمودنی در نظر گرفته می شود (۳۶). بر این اساس در پژوهش حاضر ۹۰ آزمودنی به اضافه ۱۰ آزمودنی هم برای احتمال وجود پرسش نامه های مخدوش در نظر گرفته شد بنابراین حجم نمونه ۱۰۰ نفر بود. که پس از جمع آوری پرسش نامه ها به علت مخدوش بودن ۶ پرسش نامه، اطلاعات و داده های مربوط به ۹۴ آزمودنی مورد تحلیل قرار گرفت. برای جمع آوری داده ها از پرسش نامه های زیر استفاده شد:

الف - پرسش نامه سبک های فرزندپروری بامریند (Bamrind,s parenting styles): این پرسش نامه در سال ۱۹۷۲ توسط بامریند طراحی شد. ۳۰ پرسش این پرسش نامه سه شیوه فرزندپروری، مقتدرانه، مستبدانه و سهل گیرانه را می سنجد. الگوی پاسخ دهی به پرسش ها از مقیاس ۵ درجه ای لیکرت است. به این صورت که از مادر یا

جوان و بزرگسال نشان داد که ساختارهای هویتی ممکن آینده نقش مهمی در فرایند انطباق هویت طی دوران گذار ایفا می کنند و تأثیرات مهمی بر سلامتی افراد دارند (۲۰). تجارب بازنگری و بسط نظریه «خود» از طریق آمادگی منجر به بازنگری خودهای مرکزی می شود که که روایت های شخصی گسترده تری را تعریف می کنند (۲۱). در پژوهشی که بر روی مدرسان دوره های مختلف دانشگاه انجام شد، نتایج نشان داد که تفکر آینده گرا از طریق خودهای ممکن در مدرسان رشد می کند (۲۲). هم چنین نتایج پژوهش دیگری بر روی سه گروه جوانان، میانسالان و سالخوردهان نشان داد چنانچه افراد خودهای آینده احتمالی مثبت را در نظر داشته باشند و دنبال کنند، در جهت ارتقاء سطح رشدشان با انگیزه تر خواهند بود (۲۳) و افرادی که تردید به خود زیادی دارند نسبت به افراد دارای تردید به خود کمتری دارند، اعتماد به نفس پایین تری در تصویر کردن خود مطلوب دارند (۲۴). مداخلات مبتنی بر خودهای ممکن می تواند سایر رفتار افراد مانند عملکرد ورزشی بازیکنان را افزایش دهد (۲۵) و خودممکن موزیکال در درون خودپنداره فرد، سرمایه قابل توجهی از وقت و انرژی برای موسیقیدان شدن را فراهم می کند (۲۶). خودهای مشترک در زوج های سال خورده از طریق همکاری مداوم منجر به سلامت بیشتر می شود (۲۷). مداخله مختصر خودهای ممکن برای پیوند خودهای ممکن علمی با راهبردها، سطح افسردگی، غیبت و بدرفتاری در محیط علمی را کاهش می دهد (۲۸). هوور (Hovver) نشان داد که به مرور زمان خودهای مطلوب جای خود را به خودهای مورد انتظاری می دهد که براساس توانایی ها و شرایط محیطی فرد می باشد (۲۹). نتایج مطالعات هم نشان داد که فعالیت «بهترین خودممکن» اساساً تأثیرات مثبت انگیزشی را افزایش داده است (۳۰) و ارتباط خودهای ممکن با سایر عوامل انگیزشی افراد در افزایش فعالیت های جسمانی آنان می تواند حوزه امیدبخشی برای تحقیقات آینده پیرامون این موضوع باشد (۳۱). نوجوانان قادر هستند به گستره وسیعی از خودها دسترسی داشته باشند و تفاوت دیدگاه دختران و پسران نسبت به خود و احتمال بروز خودهای ممکن نامطلوب ریشه در

کرونباخ را برای همه نمونه‌ها بالاتر از $0/81$ و برای کل پرسش‌نامه $0/91$ به دست آوردند. هنجاریابی این پرسش‌نامه در دانشگاه‌های تهران انجام شده است و همسانی درونی با استفاده از آلفای کرونباخ در جمعیت مؤنث $0/97$ و در جمعیت مذکر $0/98$ به دست آمده است (۳۸).

ج- پرسش‌نامه خودپنداره راجرز (Rogers' s Self-concept)، فرم (ب) که خودآرمانی را می‌سنجد و شامل ۲۵ سؤال می‌باشد و از جمله آزمون‌های عینی می‌باشد که از یک سطح ۷ نمره‌ای که بین دو صفت قرار گرفته، تشکیل شده است و آزمودنی تنها یکی از شماره‌های بین دو صفت را انتخاب می‌کند. آزمودنی باید گزینه‌ای را انتخاب کند که شبیه خودش و بیانگر ادراک درونی نسبت به خود است. خدایی ضریب پایایی مقیاس خودپنداره فرم (ب) را با استفاده از روش آلفای کرونباخ و تنصیف به ترتیب $0/79$ و $0/73$ گزارش کرد (۳۹).

یافته‌ها

روش اجرای پژوهش: پس از تعیین نمونه پژوهش، پژوهشگر به کلاس‌ها مراجعه کرد و پرسش‌نامه‌های سبک‌های فرزندپروری، طرح‌واره‌ها و خودپنداره را به آزمودنی‌ها داد. ابتدا توضیح کوتاهی در مورد هدف پژوهش حاضر و محرمانه بودن داده‌ها ارائه شد حتی به آن‌ها گفته شد که در صورت تمایل بعداً می‌توانند از نتایج پژوهش در مورد خودشان آگاه شوند. بعد از آن‌ها خواسته شد تا با دقت به همه سؤالات پاسخ دهند. در پایان یک پذیرایی ساده از آنان انجام شد و پرسش‌نامه‌های تکمیل شده جمع‌آوری شدند. داده‌های با استفاده از شاخص‌های توصیفی میانگین، انحراف استاندارد و آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه و به کمک نرم‌افزار آماری Spss-19 تحلیل شدند که در جداول زیر نشان داده شده‌اند. در جدول ۱ میانگین و انحراف معیار ابعاد سبک‌های فرزندپروری، طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و خودهای ممکن گزارش شده است.

مندرجات جدول ۲ نشان می‌دهد که بین سبک‌های فرزندپروری مستبدانه و مقتدرانه و طرح‌واره‌های ایثار و

والدی که نقش غالبی در تربیت فرزندش دارد، خواسته می‌شود تا از بین ۵ پاسخ کاملاً موافقم، موافقم، مطمئن نیستم، تقریباً مخالفم و مخالفم پاسخی را انتخاب کند که مطابقت بهتری با وضعیت موجود دارد. با جمع نمرات مربوط به هر شیوه، سه نمره مجزا به دست می‌آید. روایی و اعتبار این پرسش‌نامه در پژوهش‌های متعدد در حد مطلوبی گزارش شده است. در ایران از روش بازآزمایی، پایایی این ابزار را در مادران و پدران به ترتیب برای شیوه سهل‌گیرانه $0/81$ و $0/77$ ، شیوه استبدادی $0/86$ و $0/85$ و برای شیوه مقتدرانه $0/78$ و $0/88$ به دست آمد. هم‌چنین روایی تشخیص این پرسش‌نامه معتبر گزارش شده است (۶).

ب- فرم کوتاه پرسش‌نامه طرح‌واره یانگ (Young' s Schema یا SQ-SF): ۷۵ گویه این پرسش‌نامه توسط یانگ برای ارزیابی ۱۵ طرح‌واره ناسازگار اولیه ساخته شده است. این طرح‌واره‌ها عبارت هستند از: محرومیت هیجانی، طرد/ بی‌ثباتی، بی‌اعتمادی/ بدرفتاری، انزوای اجتماعی/ بیگانگی، نقص/ شرم، شکست، وابستگی/ بی‌کفایتی، آسیب‌پذیری نسبت به بیماری، خود تحول نیافته/ گرفتار، اطاعت، فداکاری، بازداری هیجانی، معیارهای سرسختانه/ بیش‌انتقادی، استحقاق/ بزرگ‌منشی، و خودکنترلی ناکافی. هر پرسش بر یک مقیاس ۶ درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شود (۱ برای کاملاً نادرست و ۶ برای کاملاً درست). در این پرسش‌نامه هر ۵ پرسش یک طرح‌واره را می‌سنجد. چنان‌چه میانگین هر خرده مقیاس بالاتر از $2/5$ باشد آن طرح‌واره ناکارآمد است. پایایی و روایی این ابزار در پژوهش‌های متعددی به اثبات رسیده است. یانگ و همکاران پایایی این پرسش‌نامه را به روش همسانی درونی، و بازآزمایی بر روی یک نمونه ۵۶۴ نفری از دانشجویان آمریکایی به ترتیب ($0/95$ و $0/81$) گزارش نمودند (۳۷). هم‌چنین در ایران یوسفی عابدین، تیره‌گری و فتح‌آبادی روایی و پایایی پرسش‌نامه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه را بر روی یک نمونه ۵۷۹ نفری در دو مرحله (مرحله اول ۳۹۴ نفر و مرحله دوم ۱۸۵ نفر) بررسی نمودند و پایایی آن را به روش آلفای کرونباخ و دونیمه کردن در کل نمونه به ترتیب $0/84$ و $0/81$ گزارش نمودند. آنان میزان آلفای

معیارهای سرسختانه/ بیش انتقادی با خودهای ممکن در دانشجویان رابطه معنی داری وجود دارد.

همان طور که مدل نهایی رگرسیون در جدول ۵ نشان می دهد بین طرحواره ناسازگار اولیه ایثار و خودهای ممکن رابطه معنی داری وجود دارد ($F = 10/977$ ، $p < 0/01$). ضریب رگرسیون طرحواره ایثار ($\beta = 0/326$ ، $p < 0/01$) می باشد که می تواند ۱۰/۷ درصد از تغییرات خودهای ممکن را در دانشجویان پیش بینی کند.

همان طور که مدل نهایی رگرسیون در جدول ۴ نشان می دهد بین سبک فرزندپروری مقتدرانه و خودهای ممکن رابطه معنی داری وجود دارد ($F = 8/648$ ، $p < 0/01$). که نشان می دهد سبک فرزندپروری مقتدرانه می تواند ۸/۶ درصد از تغییرات خودهای ممکن را پیش بینی کند. هم چنین به منظور تعیین رابطه بین طرحواره های ناسازگار اولیه معیارهای سرسختانه و ایثار با خودهای ممکن در دانشجویان از رگرسیون چندگانه به روش پس رو استفاده شد که خلاصه نتایج در جدول ۵ نشان داده شده است.

همان طور که مدل نهایی رگرسیون در جدول ۳ نشان می دهد بین سبک فرزندپروری مقتدرانه، خودتحوّل نیافته/گرفتار، ایثار و بازداری هیجانی با خودهای ممکن رابطه معنی داری وجود دارد ($F = 7/76$ ، $p < 0/01$) که نشان می دهد که سبک فرزندپروری مقتدرانه، خودتحوّل نیافته/گرفتار، ایثار و بازداری

هیجانی می توانند ۲۶ درصد از تغییرات خودهای ممکن را تبیین کنند. هم چنین ضرایب رگرسیون نشان می دهند که طرحواره ناسازگار ایثار ($\beta = 0/49$ ، $p < 0/01$) و سبک فرزندپروری مقتدرانه ($\beta = 0/32$ ، $p < 0/01$) سهم بیشتری در پیش بینی خودهای ممکن دارند. مدل رگرسیون بالا به صورت زیر می باشد:

(بازداری هیجانی) $-0/03$ (ایثار) $+0/07$ (خودتحوّل یافته/ گرفتار) $-0/03$ (مقتدرانه) $+0/05$ $+3/42$ = خودهای ممکن
برای تعیین رابطه بین سبک های فرزندپروری و خودهای ممکن و دستیابی به یک مدل رگرسیونی مطلوب برای پیش بینی خودهای ممکن بر اساس سبک های فرزندپروری از تحلیل رگرسیون چندگانه به روش پس رو (Backward) استفاده شد. در این روش ابتدا همه متغیرهای پیش بین (مستقل) وارد مدل رگرسیونی شدند و در مراحل بعدی متغیرهای مستقلی که کم ترین معنی داری را داشتند از مدل حذف شدند. این کار، آن قدر ادامه پیدا کرد تا سرانجام مدل نهایی مطلوب به دست آمد. پس از سه مرحله انجام مدل رگرسیون فقط سبک فرزندپروری مقتدرانه در مدل باقی ماند که خلاصه نتایج در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار سبک های فرزندپروری، طرحواره ها و خودهای ممکن

متغیرها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	حداقل نمره	حداکثر نمره
سهل گیرانه	۹۴	۱۶/۸۸	۴/۹۴	۵	۳۳
مستبدانه	۹۴	۱۷/۳۳	۶/۴۴	۶	۳۶
مقتدرانه	۹۴	۳۱/۰۲	۴/۵۲	۱۶	۳۹
محرومیت هیجانی	۹۴	۱۲/۵	۵/۳۲	۵	۳۱
طرد/ بی ثباتی	۹۴	۱۳/۶	۵/۳۹	۵	۲۸
بی اعتمادی/ بدرفتاری	۹۴	۱۲/۰۵	۴/۹۱	۵	۲۶
انزوای اجتماعی/ بیگانگی	۹۴	۱۱/۳۲	۵/۲۷	۵	۳۰
نقص/ شرم	۹۴	۹/۷۱	۴/۵۶	۵	۲۳
شکست	۹۴	۱۰/۲۸	۴/۸۱	۵	۲۶
وابستگی/ بی کفایتی	۹۴	۹/۵۹	۴/۸۳	۵	۲۴

ادامه جدول ۱

۲۲	۵	۴/۶۶	۹/۷۷	۹۴	آسیب پذیری نسبت به بیماری
۲۶	۵	۴/۹۸	۱۱/۸۹	۹۴	خود تحول نیافته/گرفتار
۲۵	۵	۵/۲۴	۱۰/۸۹	۹۴	اطاعت
۲۹	۵	۵/۶۵	۱۷/۲۲	۹۴	ایثار
۳۰	۵	۶/۳۷	۱۳/۲۱	۹۴	بازداری هیجانی
۳۰	۶	۶/۳۶	۱۸/۲۹	۹۴	معیارهای سرسختانه/بیش انتقادی
۲۸	۵	۵/۸۳	۱۶/۰۱	۹۴	استحقاق/ بزرگ منشی
۳۰	۵	۵/۱۷	۱۳/۹۱	۹۴	خودکنترلی ناکافی
۶/۹۲	۳/۵۲	۰/۷۷	۵/۵۴	۹۴	خودهای ممکن

جدول ۲. خلاصه نتایج ضرایب همبستگی

برای تعیین روابط بین طرح‌واره‌ها و سبک‌های فرزندپروری با خودهای ممکن

خودهای ممکن		خودهای ممکن			
ضریب همبستگی	سطح معناداری	ضریب همبستگی	سطح معنی داری	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
۰/۷۳۷	۰/۰۳۵	اطاعت	۰/۴۳۴	-۰/۰۸۲	محرومیت هیجانی
**۰/۰۰۱	۰/۳۲۶	ایثار	۰/۱۵۵	۰/۱۴۸	طرد/ بی‌ثباتی
۰/۸۸۹	-۰/۰۱۵	بازداری هیجانی	۰/۸۶۳	-۰/۰۱۸	بی‌اعتمادی/ بدرفتاری
**۰/۰۱۸	۰/۲۴۴	معیار سرسختانه	۰/۱۴۳	-۰/۱۵۲	انزوای اجتماعی
۰/۰۷۸	۰/۱۸۳	استحقاق	۰/۳۸۵	-۰/۰۹۱	نقص/ شرم
۰/۹۵۲	۰/۰۰۶	خودکنترلی ناکافی	۰/۲۴۷	-۰/۱۲۱	شکست
۰/۵۲۳	-۰/۰۶۷	سهل‌گیرانه	۰/۱۱۷	-۰/۱۶۳	وابستگی/ بی‌کفایتی
**۰/۰۰۷	-۰/۲۷۶	مستبدانه	۰/۰۹۵	-۰/۱۷۳	آسیب‌پذیری نسبت به بیماری
**۰/۰۰۴	۰/۲۹۳	مقتدرانه	۰/۹۳۴	-۰/۰۰۹	خودتحول نیافته/ گرفتار

**P<0.01

جدول ۳. خلاصه نتایج تحلیل رگرسیون

برای تعیین رابطه بین طرح‌واره‌ها و سبک‌های فرزندپروری با خودهای ممکن

ضرایب رگرسیون		ضریب همبستگی و تعیین		مناسب بودن مدل رگرسیون			
Sig	B	β	R^2	R	sig	F	متغیر
۰/۰۰۰	۳/۴۲						ضریب ثابت
۰/۰۰۱	۰/۰۵	۰/۳۲					مقتدرانه
۰/۰۶۹	-۰/۰۳	-۰/۱۸	۰/۲۶	۰/۵۱	/۰۰۱	۷/۷۶	خود تحول نیافته/ گرفتار
۰/۰۰۱	۰/۰۷	۰/۴۹					ایثار
۰/۰۲۶	-۰/۰۳	-۰/۲۳					بازداری هیجانی

جدول ۴. خلاصه نتایج تحلیل رگرسیون
برای تعیین رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و خودهای ممکن

مرحله	متغیر	F	Sig	ضریب همبستگی چندگانه و ضریب تعیین				ضرایب رگرسیون	
				R	R2	β	B	Sig	
۱	سهل گیرانه					-۰/۰۶۱	-۰/۰۰۹	-۰/۵۴۵	
	مستبدانه	۳/۸۹۴	۰/۰۱۱	۰/۳۳۹	۰/۱۱۵	-۰/۱۲۷	-۰/۰۲	۰/۱۲۹	
	مقتدرانه					۰/۲۱۶	۰/۰۳۷	۰/۰۵۷	
۲	مستبدانه	۵/۶۹۶	۰/۰۰۵	۰/۳۳۴	۰/۱۱۱	-۰/۱۷۹	-۰/۰۲۱	۰/۱۱۱	
	مقتدرانه					۰/۲۱۱	۰/۰۳۶	۰/۰۶۱	
۳	مقتدرانه	۸/۶۴۹	۰/۰۰۴	۰/۲۹۳	۰/۰۸۶	۰/۲۹۳	۰/۰۵	۰/۰۰۴	

جدول ۵. خلاصه نتایج تحلیل رگرسیون
برای تعیین رابطه بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه معیارهای سرسختانه و ایثار با خودهای ممکن

مرحله	متغیر	F	R	R2	β	B	Sig
۱	معیارهای سرسختانه و ایثار	۵/۸۲۶	۰/۲۴۴	۰/۰۶	۰/۲۴۴	۲/۰۲۶	۰/۰۱۸
۲	ایثار	۱۰/۹۷۷	۰/۳۲۶	۰/۱۰۷	۰/۳۲۶	۲/۴۰۷	۰/۰۰۱

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که بین سبک‌های فرزندپروری و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه با خودهای ممکن در دانشجویان رابطه معنی‌داری وجود دارد. هریس و کرتین (Harris & Curtin) در پژوهشی به منظور مطالعه ادراک سبک‌های والدینی، طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و علایم افسردگی در بزرگسالان جوان به این نتیجه رسیدند که طرح‌واره‌های یانگ در ارتباط بین سبک‌های والدینی ادراک شده (در ارتباط با مؤلفه‌های مهرورزی، کنترل و اقتدار) و علایم افسردگی نقش واسطه یا میانجی دارند. چهار طرح‌واره‌ای که بیشترین واریانس را به خود اختصاص دادند عبارت بودند از: نقص/شرم، خودکنترلی ناکافی، آسیب‌پذیری در برابر ضرر یا بیماری و وابستگی/بی‌کفایتی (۷). بارانف و تیان در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که تعاملات ناکارآمد والدین پیش‌بین بسیار خوبی برای طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و تعاملات کمتر

کودکان در روابط بین‌فردی آینده است (۱۲). گانتی و بوری (Gunty & Buri) در بررسی اثر عملکرد والدین با سه مؤلفه مهرورزی، اقتدار و کنترل و شکل‌گیری طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه بیان می‌کنند که عملکرد والدین پیش‌بینی‌کننده معنی‌داری برای برخی از حوزه‌های طرح‌واره‌ها از جمله قطع ارتباط/ طرد و خودگردانی/ عملکرد مختل می‌باشد (۴۰). پژوهش رایت و همکاران نشان دادند که سبک والدینی بر روش شکل‌گیری طرح‌واره‌ها اثر دارد و این طرح‌واره‌ها در آسیب‌شناسی روانی بعدی افراد تأثیر می‌گذارد (۱۳). شهامت، ثابتی و رضوانی در پژوهشی بیان می‌کنند سبک فرزندپروری مقتدرانه پیش‌بینی‌کننده معنی‌داری برای سطوح پایین‌تر طرح‌واره ناسازگار طرد/بی‌ثباتی می‌باشد، به این معنی که در افرادی که سبک فرزندپروری والدین آنها مقتدر است این طرح‌واره به طور معنی‌داری کمتر شکل می‌گیرد و سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه پیش‌بینی‌کننده سطوح بالاتر

طرح‌واره استحقاق/ بزرگ‌منشی است که در مقوله محدودیت‌های مختل می‌گنجد. در این تحقیق بین سبک فرزندپروری مستبدانه و طرح‌واره ناسازگار وابستگی/ بی‌کفایتی و سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه و طرح‌واره ناسازگار انزوای اجتماعی/ بیگانگی رابطه معنی‌داری مشاهده شد و بین سایر سبک‌های فرزندپروری و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه رابطه معنی‌داری مشاهده نشده است. سبک‌های فرزندپروری ترکیب‌هایی از رفتارهای والدین است که در موقعیت‌های گسترده‌ای روی می‌دهند و جو فرزندپروری با دوامی را به وجود می‌آورند. سبک مستبدانه از نظر پذیرش و روابط نزدیک و استقلال دادن پایین و از نظر کنترل اجباری بالا می‌باشد. طرح‌واره وابستگی/ بی‌کفایتی از روی این سبک فرزندپروری قابل پیش‌بینی است. این طرح‌واره در حوزه خودگردانی و عملکرد مختل می‌گنجد. طرح‌واره‌های این حوزه به طور معمول در خانواده‌هایی به وجود می‌آید که اعتماد به نفس کودک را کاهش می‌دهند، رفتار هستند، بیش از حد از کودک محافظت می‌کنند یا این که نتوانسته‌اند کودک را به انجام کارهای بیرون از خانواده تشویق کنند. نتیجه بعدی، وجود قابلیت پیش‌بینی طرح‌واره ناسازگار انزوای اجتماعی/ بیگانگی از روی سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه می‌باشد. والدین با سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه مهرورز و پذیرا هستند، متوقع نبوده و کنترل کمی بر فرزندان خود اعمال می‌کنند. آنان به فرزندان خود اجازه می‌دهند در هر سنی که باشند خودشان تصمیم‌گیری کنند، حتی اگر قادر به انجام این کار نباشند. در افرادی که والدین با سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه داشته‌اند طرح‌واره انزوای اجتماعی/ بیگانگی بیشتر شکل می‌گیرد. این طرح‌واره در حوزه بریدگی و طرد می‌گنجد. در این حوزه نیازهای انسان به امنیت، ثبات، محبت، همدلی، در میان گذاشتن احساسات، پذیرش و احترام به شیوه‌ای قابل پیش‌بینی ارضاء نخواهد شد. از دیگر نتایج این پژوهش می‌توان به معنی‌داری رابطه بین طرح‌واره ناسازگار ایثار و سبک فرزندپروری مقتدرانه با خودهای ممکن اشاره کرد. طرح‌واره ناسازگار ایثار حوزه جهت‌گیری متفاوتی دارد. در

این حوزه بر تمایلات، احساسات و پاسخ‌های دیگران تمرکز افراطی می‌شود، به گونه‌ای که نیازهای خود فرد نادیده گرفته می‌شود. طرح‌واره‌های این حوزه به طور معمول در خانواده‌هایی به وجود می‌آیند که کودک را با قید و شرط پذیرفته‌اند و نیازها و تمایلات هیجانی والدین و منزلت اجتماعی، در مقایسه با نیازها و احساسات کودک، ارزش بیشتری دارند. طرح‌واره معیارهای سرسختانه/ بیش‌انتقادی در حوزه گوش به زنگی بیش از حد و بازداري قرار دارد. در این حوزه بر واپس زنی احساسات، تکانه‌ها و انتخاب‌های خودانگیخته فرد یا برآورده ساختن قواعد و انتظارات انعطاف‌ناپذیر و درونی‌شده درباره عملکرد و رفتار اخلاقی که اغلب منجر به از بین رفتن خوشحالی، ابراز عقیده، آرامش خاطر، سلامتی و نزدیکی می‌شود. طرح‌واره‌های این حوزه به طور معمول در خانواده‌هایی به وجود می‌آید که در آن‌ها عصبانیت، توقع و گاهی اوقات تنبیه مشاهده می‌شود. در این خانواده‌ها بر عملکرد عالی، بی‌نقص گرایی، وظیفه‌شناسی، پیروی از قوانین، پنهان‌سازی هیجانات، و اجتناب از اشتباه تأکید می‌شود. در عین حال که به لذت، خوشحالی، و آرامش خاطر اهمیت چندانی داده نمی‌شود. افرادی که این طرح‌واره را دارند، باور دارند که برای رسیدن به معیارهای بلندپروازانه درباره رفتار و عملکرد خود باید کوشش فراوانی به خرج دهند و این کار معمولاً برای جلوگیری از انتقاد صورت می‌گیرد. با توجه به اینکه ۸/۶ درصد از خودهای ممکن توسط شیوه فرزندپروری مقتدرانه قابل پیش‌بینی است و والدین با سبک فرزندپروری مقتدر در سه بعد موردنظر بامریند، پذیرش و روابط نزدیک، کنترل و استقلال دادن، به گونه‌ای عمل می‌کنند که نسبت به نیازهای فرزندان صمیمی، پذیرا، و دلسوز بوده، توقع معقولی برای رفتار مناسب دارند و همواره آن را تقویت می‌کنند، قابلیت پیش‌بینی عملکرد آن‌ها در رابطه با عملکرد کودک بالا است. با توجه به این که نقش انگیزشی خودهای ممکن این است که با روش‌هایی خود موجود را برای خودممکن (ایده‌آل) شدن، آشنا کند و تجسم کردن خودممکن در زمینه خاص، احساس شایستگی به بار

تحریفات شناختی می‌باشد که خود مشکلات متعاقب از جمله افسردگی، اضطراب، وسواس و غیره را به دنبال دارد. حال آن‌که در فرهنگ برخی از جوامع این موارد نه تنها بیماری یا اختلال محسوب نمی‌شوند، بلکه اصولاً ارزش‌های تقدیس‌شده‌ای هستند که به شدت ترویج می‌شوند و چه بسا مایه مباحثات افراد جامعه نیز هستند. همچنین این امر ممکن است فراتر از ویژگی بارز طرح‌واره، مبنی بر جنگیدن برای بقا خود می‌باشد (۴۲).

به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که احتمالاً سبک‌های فرزندپروری و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه به واسطه هنجارهای فرهنگی- اجتماعی جامعه و بازخوردهای والدین تأثیرات متفاوتی بر شکل‌گیری و تحول خودهای ممکن دارند. لذا با توجه به نتایج به دست آمده، پیشنهاد می‌شود به منظور تعدیل نمودن خودهای ممکن، لازم است که والدین از نقش سبک‌های فرزندپروری و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در رفتارهای بعدی فرزندان آگاهی داشته باشند و از سبک فرزندپروری مقتدرانه برای تربیت فرزندان استفاده کنند و زمینه را برای شکل‌گیری طرح‌واره‌های کارآمد در فرزندان فراهم سازند.

تشکر و قدردانی

نویسندگان این مقاله، از کلیه مسؤولین دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین در جهت تشویق دانشجویان در تکمیل دقیق و صادقانه پرسش‌نامه‌های این پژوهش کمال تشکر و قدردانی را دارند.

می‌آورد و برای رسیدن به آن به فرد انگیزه می‌دهد و همچنین علاوه بر نقش انگیزشی، زمینه‌ای برای ایجاد خودفعلی نیز می‌باشند. همچنین با توجه به معنی‌دار شدن رابطه بین طرح‌واره‌های ناسازگار ایثار و معیارهای سرسختانه/ بیش‌انتقادی با خودهای ممکن در پژوهش حاضر، لازم به ذکر است که پژوهشی همسو با نتایج پژوهش حاضر یافت نشد اما می‌توان به تبیین‌های نتایج پژوهش لوییس اکتفا نمود (۶). از آن‌جا که خودهای ممکن علاوه بر نقش انگیزشی، زمینه‌ای برای ایجاد خودفعلی نیز هستند و به دلیل این‌که اهمیت عملکرد آن‌ها به مثابه محرک رفتارهای آتی و ایجاد زمینه‌ای برای ارزیابی و تفسیر نگرش رایج به خود، و با توجه به نقش مهم انگیزشی و حفاظتی خودهای ممکن و با توجه به اینکه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، الگوهای هیجانی و شناختی خود- آسیب‌رسانی هستند که در مسیر زندگی تکرار می‌شوند و حتی شرایط بزرگسالی را به شرایط ناگوار دوران کودکی می‌کشاند به نظر می‌رسد نتایج تحقیقات انجام شده با نتایج تحقیق حاضر منافات دارد. همچنان‌که لوییس معتقد هستند که بخش اعظم رفتار والدینی موضوعات وابسته به هنجارهای اجتماعی و فرهنگی جامعه هستند، بسیاری از ارزش‌ها و هنجارهایی که در جوامع به عنوان هنجار، فرهنگ و ارزش رایج شده‌اند، الزاماً از نظر علمی مورد تأیید نمی‌باشند (۴۱). در تحقیق حاضر این امر در مورد طرح‌واره‌های ناسازگار ایثار و معیارهای سرسختانه/ بیش‌انتقادی صدق می‌کند. روان‌شناسان اعتقاد دارند که طرح‌واره ناسازگار ایثار با مفهوم وابستگی بیمارگونه همپوشی دارد و فردی که طرح‌واره معیارهای سرسختانه/ بیش‌انتقادی دارد به شکل‌های بی‌نقص‌گرایی، قوانین غیرقابل انعطاف، بایدها، دغدغه زمان و کارآمدی به‌طور جدی درگیر

References

1. Reeve J. The face of interest. *Motivation and Emotion*. McGraw Hill 1991; 17(2): 353-75.
2. Reeve J. *Motivation and Emotion*. Trans by Sayed Mohammadi Y. Tehran: Virayesh; 2010. [In Persian].
3. Sanai B. The role of original families on children marriage. *J Counseling Researches* 1999; 12(2): 34-43. [In Persian]. Available: WWW: SID. IR.
4. Markus H. Self-Schema and processing information about the self. *J personality and social psychology* 1977; 35(3): 63-78.
5. Markus H, Nurius P. Possible Selves. *J American psychologist* 1986; 41(1): 954-69.
6. Shahamat F, Sabeti A R, Rezvani S. The study of parental styles and early maladaptive schema [PhD Thesis]. Mashhad, Iran: Ferdousi University; 2010. P. 78-79.

7. Harris D, Curtin S. Parental Perception, Early Maladaptive Schema and Depressive Symptoms in Young Adult. *J Cognitive Therapy and Research* 2002; 26(3): 405-16.
8. Young J G, Glosco J, Vishar . Schema therapy. Tehran: Arjmand 2010. Trans Hamidpour H. Adarz Z. P. 151 [In Persian].
9. Loura B. Development through the life span. Trans. Sayed Mohammadi Y Tehran: Arassbaran; 2013. P. 93 [In Persian].
10. Rsiisi FM, Anisi JM, Yazdi SM. Mental health and child-rearing styles between candidate adult for addiction withdrawal in comparison with non-addict adults. *J Behavioral Sciences* 2008; 2(1): 33-41. [In Persian].
11. Barber BK, Stolz HE, Olsen JA. Parental support, psychological control, and behavioral control: Assessing relevance across time, culture, and method. *J Monographs of the Society for Research in Child Development* 2005; 70(4): 84-95.
12. Baranoff S, Tian C. Young Schema Questionnaire: Review of psychometric and measurement issues. *Australian Journal of psychology* 2007; 59(2): 78-86.
13. Wright MO, Crawford E, Castilo D. Children emotional maltreatment and later psychological distress among college students. The mediating role of maladaptive schemas. *J Child Abuse and Neglect* 2009; 33(1): 59-68.
14. Diaz Y. (2005). Association between parenting and child behavior problems among Latino mothers and children [PhD Thesis]. University of Maryland, College Park: 2005.
15. Ahmadi F, Asqar-nejad-Farid A, Borjali M. The comparison of patients suffering from coronary thrombosis with healthy individuals concerning early maladaptive schemas and emotion-regulation strategies. *J Behavioral Sciences* 2014; 1(8): 55-63. [In Persian].
16. Cookramm DM, Drummond PD, Lee CW. Role and treatment of early maladaptive schemas in Vietnam veterans with PTSD. *J Clinical Psychology & Psychotherapy* 2010; 17(3): 165-87.
17. Sadeghi M, Asari Nejad F, Fedai Z, Robin Zadeh Sh, Ebrahimi S M. The role of parental styles on shaping selves and their difference between children. *J Family research* 2009; 18(5): 17-9. [In Persian]. [Online]. Available: WWW: SID. IR.
18. Pouraghajan SH, Azadfallah P, Atri A. Assessment of Ego Development and Tendency to the Cosmetic Surgery. *J Behavioral Sciences* 2008; 2(1): 43-50. [In Persian].
19. Freer PK. Two decades research on possible selves and the 'missing mail' problem in choral music. *International Journal of Music Education* 2010; 28(1):17-30.
20. Erikson MG, Hansonb B, Lundblad S. The Possible Selves of Adult Women with Anorexia Nervosa. *J Treatment & Prevention* 2012; 20(12): 76-65.
21. Manzi C, Vignols VL, Rogalia C. Accommodating new identity: Possible selves, identity change and well-being across two like-transitions. *European Journal of social psychology* 2010; 40(6); 970-84. [Online]. Available in eprints.anu.edu.au/archive/00002617/01/02whole.pdf
22. Carroll PJ, Arkin RM, Shade CK. Possible Selves and Self- Doubt: A Poverty of Desired Possibility. *J Social Psychology and Personality* 2011; 2(2): 190-8.
23. Hammana D, Cowarda F, Johnson L, Lamberta M, Zhoua L, Indiatia J. Teacher Possible Selves: How Thinking about the Future Contributes to the Formation of Professional Identity. *J Social Psychology and Personality* 2012; 2(2): 121-130.
24. Ryff CD. Possible selves in adulthood and old age: A tale of shifting horizons. *J Psychology and Aging* 1991; 6, 286-295.
25. Carroll PJ, McCaslin M J, Norman GJ. The Revision and Expansion of Self-Theory through Preparedness. *J Social and Personality Psychology* 2012; 10(2): 1-12.
26. Murru EC, Martin GK. Imagining the possibilities: the effects of possible selves intervention self-regularly efficacy and exercise behavior. *J Sport and Exercise Psychology* 2010; 32(4): 537-554.
27. Schnare B, MacIntyre P, Doucettem J. Possible Selves as a source of motivation for musicians. Cape Berton University, Canada 2011. Road, Sydney, Nova Scotia, Canada, B1P 6L2.
28. Schindler I, Berg CA, Fortenberry KT, Wiebe DJ. Late-Midlife and Older Couples' shared Possible Selves and Psychological Well-being During Time of Illness: The Role of Problem Solving. *J Geronto1 B Psycho1 Sci Soc Sci* 2010; 65B (4): 416-424.
29. Hovver LD. Communication, Possible Selves: Conception and conversation regarding career success in higher education [Thesis]. 2007. Ohio State University.

30. Oyserman D, Bybee D, Terry K. Possible Selves Academic Outcomes: How and When Possible Selves Impel Action. *J Personality and Social Psychology* 2006; 91(1): 188-204.
31. Hovver LD. Communication, Possible Selves: Conception and conversation regarding career success in higher education [Thesis]. 2007. Ohio State University.
32. Layous K, Nelson SK, Lyubomirsky S. What is the Optimal Way to Deliver a Positive Activity Intervention? The Case of Writing about One's Best Possible Selves. *J Happiness Studies* 2012; 10(2): 1024-130.
33. Holohan CK, Gardner JK. Motivation correlates exercise in collage woman [Thesis]. 2012. Oxford University.
34. Knox M, Funk J, Elliott R, Bush EG. Gender Differences in Adolescent's Possible Selves. *J Youth & Society* 2000; 31(3): 287-309.
35. Stein FK. Roser R, Markus, HR. Self - Schemas and Possible Selves as Predictor and Outcomes of Risky Behaviors in Adolescents. *J A-Z, Nursing Research* 1998; 47(2): 69-106.
36. Zytowski DJ, Subich LM. Person Match as a Source of Possible Selves. *Developing Self in Worked and Career: Concepts, Cases, and Contexts. J American Psychological Association* 2011; 245(10): 1034-1040.
37. Hooman H A, research methodology in behavioral sciences. Tehran: Samt 2010.
38. Ahi Gh. The standardization of Young schema inventory, short form [Thesis]. 2006. Tehran: Allameh Tabatebai University [In Persian].
39. Uosefi R, Abedin A R, Tirehgari A, Fahabadi J. the effectiveness of training based on schema model on enrich marital satisfaction. *J clinical psychology* 2010; 2(3): 46-49.
40. Khodaei R. The effectiveness of transactional analysis training on self-concept and negative- positive affect of householders [Thesis]. 2012. Abhar: Islamic Azad University [In Persian].
41. Gunty H, Buri S. Parental Practices and the Development of Maladaptive Schemas. the Annual meeting of the Midwestern Psychological Association 2008; 53(6): 33-40.
42. Luis G. Parental Practices and childhood anxiety in Mexican American, and European American families. *J Anxiety Disorders* 2008; 22(2), 1011-1020.
43. Freudman AD. Memory-Related Possible Selves: Exploring Age-related Differences. A Thesis Presented to the Graduate School of the University of Florida in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Master of Sconce [Thesis]. 2004. University of Florida.

The relationship of Parenting Styles and Early Maladaptive Schema with Possible Selves in Students

Asghar Jafari¹, Mehri Barhoon², Mohammad Ghamari³

Original Article

Abstract

Aim and Background: Possible Selves are temporary self- concepts that individual desires to become and fears for becoming. Schema and parenting styles affect development of possible Selves. These desires and fears are important in individual's motives. This research aimed to determine relationship of Parenting Styles and Schema with Possible Selves in Students.

Methods and Materials: methodology was correlation. 94 students were selected by multiple cluster sampling thorough students of Azad Islamic university, Qzvin branch. Data were collected by the questionnaires of Bamrind,s parenting styles, Young,s schema and Rogers,s self- concept and analyzed by multiple regression

Findings: The findings indicated that parenting Style of authoritative and schema of Self-sacrifice and Emotional deprivation predict Possible Selves ($P < 0.05$). In addition, findings showed that parenting style of authoritative (%8/6) and Schema of Self-sacrifice (%10.7) explain possible selves ($p < 0.01$).

Conclusions: The results provide some evidence that parenting styles and early maladaptive schema differently affect possible selves by mediating social- cultural norms and parental factors. Therefore, in order to enhance efficient Possible Selves of individuals was recommended to recover parenting style of authoritative and scheme of self-sacrifice.

Keywords: Parenting Styles, Early Maladaptive Schema, Possible Selves

Citation: Jafari A, Barhoon M, Ghamari M. **The relationship of Parenting Styles and Early Maladaptive Schema with Possible Selves in Students.** J Res Behave Sci 2015; 13(1):29-40

Received: 25.06.2014

Accepted: 03.04.2015

1. Assistant professor, Department of Counseling, Islamic Azad university, Abhar branch, Abhar, Iran (Corresponding Author)
E-mail: Drasgharjafari@yahoo.com
2. Master of counseling, Department of Counseling, Islamic Azad university, Abhar branch, Abhar, Iran
3. Assistant professor, Department of Counseling, Islamic Azad university, Abhar branch, Abhar, Iran